



■ نسیر صمدیار

و معتبر اسلامی مشاهده نمود. در این زمینه عموم پژوهشگران بزرگ اسلامی می نگارند که: «بعد از حادثه ی خونین کربلا، اساس و بنیاد سرایش مرثیه و مرثیه سرایی توسط شعرای عرب گذاشته شد و به مرور زمان، مرثیه سرایی راهش را از جزیره العرب به سایر جوامع مسلمین باز نمود و یقیناً آن طوری که در قرون متمادی و در ادب کهن و کلاسیک مشاهده می گردد حتی در سرایش مرثیه ها با الهام از قیام خونین حسینی (ع) از یکدیگر سبقت می گرفتند

مولانا جلال الدین محمد بلخی، میرزا عبدالقادر بیدل (رح)، ابوالمجد محدود حکیم سنایی، میرزا غالب، علامه اقبال لاهوری و سایر دانشمندان عرصه ی علم و ادب، بهترین مرثیه های جان گداز در وصف سجایای عالی شهدای کربلا موجود است که به طور نمونه مختصر ابیات این صاحبان را به خوانش می گیریم: حضرت ابوالمعانی بیدل مرثیه ی عالی دارد که یک بیت آن چنین است:

بیدل به هر کجا رگ و ابری نشان دهد

در ماتم حسین و حسن گریه می کند

و یا حضرت خواجه معین الدین چشتی (رح) که از جمله ی بزرگ ترین عرفای عالی مقام هست، دارای یک سلسله آثار مرثیه ی بوده که در یکی از مرثیه هایش، شهادت و پاک مردی حضرت سید الشهداء را چنین بیان می دارند:

شاه هست حسین پادشاه هست حسین

دین است حسن دین پناه هست حسین

سر داد نداد دستت در دست یزید

حقا که بنای لاله است حسین

مرثیه های عرفا و صاحبان ژرف نگر دارای یک بعد خاص نبوده، بلکه هر مرثیه ای در برگزیده ی ابعاد مختلف «قیام کربلا» بوده و اهداف، فلسفه و حقانیت آن

قیح ترین و ناجوانمردانه ترین عملکرد ظالمانه طوری در تاریخ بشریت ثبت گردیده است که همه ی نسل های عدالت پسند و با تعقل سالم تا به قیامت به عمال ظالم و دستگاه یزید نفرین ابدی می فرستند.

قیام حسینی بزرگ ترین الهام تاریخی است در برابر زور گویان استعمارگر که آنها تحت عناوین مختلف و به نحوی از انحاء می خواهند با تحمیل ایدئولوژی های غاصبانه ی شان و با پیاده نمودن سیستم های ضد مردمی در سرزمین ها مخلقت، ملت آزادمنش و آزاد اندیش را به قید اسارت و غلامی و بردگی نگه می دارند؛ اما آن غاصبان بی ماهیت و جهانخوار، غافل از این امرند که مردمان آزاد منش فطرتاً آزاد به دنیا آمده اند، آزاد اندیشیده اند و در جهان آزاد زیست نموده اند و آخر الامر آزاده از دنیا رفته اند و هیچ گاهی غلامی و بردگی پیگانگان را نپذیرفته اند.

محققان و دانشمندان بزرگ دنیا می نگارند که مسأله ی تشخیص از زمانه های قدیم در ادبیات عرب به کار می رفته است که بعضاً نمونه های آن در کتاب های معروف اسلامی وجود دارد که با استعاره های بی نهایت زیبا بیان می شود چنان که همه می دانند که اعراب در سرایش اشعار مختلف و دلپذیر دارای قریحه ی عالی بوده اند. و بیشترین شاعران عرب، گفتار با عظمت پیشوایان بزرگوار اسلامی را با کلمات زیبا استقبال و تسجیل می نموده اند که می توان نمونه های نهایتاً استثنایی و معتبر گفتار این بزرگان اسلامی را در کتب و ضمامت مندرجه ی آن یعنی در آثار جامع «سوگندنامه آل محمد(ص)» فرهنگ عاشورا، قصه ی کربلا، نامه ها و ملاقاتهای حضرت امام حسین (ع)، الخصائص الزینبیه، تحلیلی از زندگانی حضرت ابوالفضل العباس (ع)، پرچم دار نینوا، مقتل مطهر، فرهنگ سخنان امام حسین(ع)، سایر کتب معروف

به روایت فرهنگ عمید و سایر کتب لغوی، مرثیه به فتح میم و کسر ثا و فتح یا به معنی شعر یا سخنی است که در سوگواری و مصیبت خوانده می شود و جمع آن مرثیه می باشد. عموم محققین، پژوهشگران و دانشمندان بزرگ اسلامی در قسمت آغاز و پیدایش مرثیه سرایی متفق القول اند و علل و انگیزه اصلی موضوع را چنین بیان و تشریح می دارند: وقتی وزیر زمان حکمرانی یزید ابن معاویه؛ عمال و دستگاه فاسد و ظالم آن در جامعه مسلمین از تحمیل هیچ گونه ظلم و تعدی و نقض و زیر پا گذاشتن اساسات و ارزش های دین مقدس اسلام در برابر مسلمانان مضایقه نکردند، در آن زمان بیداد طبقاتی در جامعه به نقطه ی اوجش رسیده بود و عدالت و مساوات و برابری جایش را برای بیعدالتی ها و قانون شکنی و بی تفاوتی در برابر مردم خالی نموده بود، لذا بزرگترین نواسه ی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) - حضرت امام حسین (ع) - با خانواده و یارانش دست به چنان قیام شجاعانه در برابر لشکریان یزید زدند و این حرکت خونین را جهانیان بنام غلبه ی حق بر باطل مسمی نمودند.

بنا به روایات مختلف اسلامی با وجودی که هفتاد و دو تن اهل بیت و یاران حسین (ع) در این جنگ نامتعادل و نا حق جام شهادت را نوشیدند، مگر با قیام خونین شان توانستند بساط فاسد یزیدیان را بر چینند، با ریختن خون های پاک خویش عدالت اجتماعی و مساوات و برابری را تحت نظام عدالت پسند اسلام عزیز در جامعه مسلمین مستقر و مستحکم نمایند. البته هر انسان با معرفت و با ترجمه وقتی در جریان حوادث خونین کربلا قرار می گیرد، متحیر می گردد (وقتی می بیند) که لشکر قسی القلب و خون خوار یزید حتی از قتل و قتال و بیرحمی در برابر اطفال صغیر و شیرخوار خانواده خاتم مرسلین (ص) منصرف نگردیدند. این رویداد تاریخی در جهان منحیث

را تشریح و بیان می دارد، چنان که می خوانیم:
بزرگ فلسفه ی قتل شاه دین این است
که مرگ سرخ به زندگی ننگین است
نه ظلم کن به کسی نه زیر ظلم برو
که مرام حسین است و منطق دین است

به همین سلسله در سته های اخیر در خراسان زمین و کشور ایران مشاهده می گردد که بهترین دیوان های مراثی از جمله دیوان محتشم کاشانی، صامت، حسان، سلیمی، شهاب، نظام، جیحون، قآنی و سایر مرثیه سرایان عالی مقام با تیراژ فوق العاده، در قطع و صحافت زیبا به زیور چاپ آراسته گردیده است از مراثی معروف محتشم کاشانی، ترکیب بند معروف اوست با این مطلع:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
گویا عزای اشـــــراف اولاد آدم است

این مرثیه از نظر ساختار شعری و حسن کلام و شیوایی بیان چنان عالی و دلپذیر سروده شده که هر بیت هر مصراع آن، انسان های با معرفت را در عالم تحیر فرو می برد.

به همین گونه و همین سبک کاری در سده های اخیر در کشور عزیز مان افغانستان، بزرگ ترین و بهترین مرثیه سرایان خوش قریحه عرض اندام نموده و هریک آنها با پیشکش نمودن مراثی شان نه تنها به حقانیت اهداف عالی ی رویداد کربلا، تکریم خانواده ی معصوم و مطهر حضرت سید الشهداء پرداخته اند، بلکه جزئی ترین و کلی ترین رویدادهای قیام حسینی را در لا به لای مرثیه ها متجلی ساخته اند که متأسفانه نگارنده ی این سطور با صرف مساعی زیاد نتوانست به منابع مؤثق کتبی و به اسامی کلیه مرثیه سرایان دست رسی پیدا کند.

مگر با آن هم بر اساس تفاهم با یک عده افراد آگاه و اهل خبره توانست که اسم یک عده از مرثیه سرایان، مناقب خوان ها و صلوات گویان متأخر و معاصر برا به دست آورد که برخی از آنها عبارتند از: واصل کابلی، شیون، غلام حسین ثاقب، سید محمد کاظم بلبل معروف به آقای بلبل، مرحوم سید محمد اسمعیل بلخی، آقای عمرانی، یونس قلندر زاده، محمد حسین طالب قندهاری، گلبن، داکتر امامی، محمد نعیم نوال، عندلیب سرور، خدا داد گلستان نژاد، سلطان محمد، ذکاء، حاجی اسود، مرحوم احمد شیدا، باقی جان قایل زاده و یک عده دیگر که امید

است فرهنگیان گرامی مادر قسمت معرفی هر چه بیشتر این قافله سالاران مراثی کشور عزیز مان از طریق رسانه های جمعی اقدامات مقتضی نمایند.

بزرگان قصه می کنند که در کشور عزیز مان افغانستان مرثیه سرایان اشعار مراثی شان را برای مناقب خوانا های خوش صدا می سپردند تا به آواز رسا و بلند در مجالس تریزه داری شهیدان کربلا، بخوانند؛ اما عموماً این مجالس به شکل مخفی در تهاکوی هخای منازل شیفتگان حسینی تدویر می گردید، اخصاً در زمان حاکمیت امیر عبدالرحمن خان که اختناق و تضادهای طبقاتی قومی، مذهبی، و نژادی به نقطه ی اوج آن رسیده بود تا زمان سلف شاه امان الله غازی ادامه داشت. وقتی دولت امانی به مردم آزادی داد، مردم با دیانت به ایجاد تکایای حسینی، اقدام نمودند. لذا مناقب خوان ها به شکل علنی و آزادانه مراثی را در تکایای حسینی به استماع مردم می رساندند.

البته برطبق فرهنگ های لغت، کلمه ی مناقب به فتح میم، جمع منقبت و کلمه ی منقبت به فتح میم و قاف و تا به معنی بهترین هنر و کاری است که موجب ستایش باشد و آنچه که مایه ی فخر و مباهات باشد.

یکی از مرثیه سرایان به نام کشور مرحوم سید محمد اسماعیل بلخی بود. مرحوم بلخی بیشترین سوک نامه ها و اشعار انتقادی و اجتماعی خویش را در سلول های وحشت ناک «محبس دهمزنگ» کابل سروده است که وقت و تاریخ تکمیل سروده ها در زندان به دست خط آن بزرگوار در حاشیه ی سروده ها تحریر گردیده است. اینک مرثیه ای از مرحوم به طور نمونه ارائه می گردد:

تأسیس کربلا نه فقط بهر ماتم است
دانش سرای حکمت اولاد آدم است
از خیمه گاه سوخته تا ساحل فرات
تعلیمگاه و رهبر خلق دو عالم است
هر قطره ی خون حنجر آن طفل شیر خوار
در زخم های پیکر اسلام مرهم است

و یا در مرثیه «تشنه ی وصل» مرحوم بلخی مشاهده می گردد که قیام حسین (ع) را چه عالی ترسیم نموده است:

ساقی جام ازل داشت تولایی عجب
تا کنـــد بر در میخانه تماشایی عجب
همه خاموش ازل تا به ابد تا که حسین
آمد از کعبه به میخانه به غوغایی عجب

همه ذرات به هم مزده چنین می دادند
آمده عاشق رندی بی سهبایی عجب
رفت و می گفت که آزاده و ذلت هیسات
فلک سفله زمن کرده تمنایی عجب
بلخیا! تربت عشاق گواه ست هنوز
بر سر کوی وفارفت چه سرهایی عجب
مرحوم سرور دهقان نیز به همین وزن وقایه مرثیه ای دارد:

به رستخیز چو بالا شود لوای حسین
به یک زبان همه گویند مرحبای حسین
خמוש سرور دهقان دگر خداوند
ز ابتدای علی و ز انتهای حسین
همین ساختار وضع شعری مرحوم سید محمد کاظم بلبل معروف به آقای بلبل چنین مرثیه ای عالی سروده است:

زبان ناطقه لال است در ثنای حسین
مگر ثنای حسین را کند فدای حسین
زهی مقام و زهی رفعت و زهی عظمت
که گشت بر سر دوش رسول جای حسین
قدم ز روی ادب نه اگر نه اهل دلی
به مجلسی که به پا می شود عزای حسین
همچنان در یکی از مرثیه های شاعر خوش قریحه و ستیزه جوی معاصر کشور ما - مرحوم باقی جان قایل زاده - دیده می شود که مرحوم اهداف قیام حسینی را چه عالی بیان می فرماید:

درس آزادی به دنیا داد گفتار حسین
بذر همت در جهان افشاند پیکار حسین
با قیام خویش به اهل جهان معلوم کرد
تابع آل ستم گشتن بود عار حسین
حق و باطل را به خون خویش کرد، از هم جدا
آری آری تا جهان برجاست بازار حسین
مرگ باعزت ز عیش در مذلت بهتر است
نغمه بی می باشد از لعل گهربار حسین
به همین گونه اکثر شعرای گرامی وطن ما در مرثیه های خویش قیام کربلا و حرکت امام حسین را با تشبیهات عالی بیان نموده اند؛ چنان که یکی از شعرای معروف سرز مین بدخشان افغانستان به نام میر سهراب شاه متخلص به سودا، مرثیه ای دلپذیر دارد که یک بیت آن چنین است:

ســـنگ اگر در دل ندارد مهر اولاد نبی
لعل در کوه بدخشان از چه رو شد غرق خون؟
علی انسانی - یک تن از شاعران معروف - رباعی

ادامه از مرثیه سرایی

دلپذیر، در وصف حضرت عباس - سپهسالار کربلا - دارد که نهایت زیباست:

ای ساقی سمرمست ز با افتاده
دنبال لبست آب بقا افتاده
دست و علم و مشک سه حرف عشق اند
افسوس ز هم این سه جدا افتاده

مناقب خوان ها روز تا روز با موجودیت شان در مجالس تعزیه ی حسینی و زحماتی که در قسمت حفظ نمودن مرثیه نموده اند و مرثیه و ادای دقیق کلمات آن به شکل نهایت عاشقانه متحمل گردیدند و سعی نمودند تا مرثیه ها ی خوب تر را تهیه و در مجالس به صدای جهر و گیرا بخوانند؛ لذا در همه جا مورد احترام مردم با دیانت ما قرار می گرفتند که نگارنده ی این سطور با مراجعه به نزد یک عده از آگاه و با معلومات توانست در قسمت معرفی اسامی مناقب خوان ها ی قدیمی و معاصر همکاری آن بزرگواران را به دست بیاورد

این بزرگان قصه کردند که مردم ما همیشه مناقب خوان ها را به نام و القاب بزرگی چون بلبلان حسین، عاشقان حسین، شیفتگان و دلباختگان حسینی، یاد می کردند. و فهرست مناقب خوان ها و صلوات گوینان را با تفکیک عصر و زمان زندگی شان چنین بیان داشتند:

مناقب خوان های حدود یک صد سال قبل که سابقه دار ترین افراد بودند و شاگردان زیادی را تربیت نمودن عبارتند از:

استاد نورعلی، حاجی ابراهیم، استاد کاظم، محمد سرور خان، محمد حسن خان بهسودی، سید اصغر شاه، حاجی نامی خیاط، وکیل عبدالله خان، حاجی اکرم خان معروف به «نهنگ» که نظر به حالت وجد و احساسات فطری محترم حاجی اکرم خان که در حین مناقب خوانی از خود تبارز می داد، یک تن از علمای معروف چنداول کابل لقب «نهنگ» را برایش طوری انتخاب نمود به این تعبیر که در یک بحر بیکران اگر تعداد زیاد ماهی وجود داشته باشد، موصوف در آن بحر عظیم مشابه نهنگ می باشد؛ بدین مفهوم که مرثیه ها را بسیار زیبا و دلپذیر در مجالس تعزیه - داری می خواند.

مناقب خوانان پنج دهه ی اخیر عبارتند از:

سید سکندر آقا، کربلایی محمد علی خان،

مهاجرت چراغ راه حسینی را روشن نگاه داشته اند، زحمات هر کدام آنها قابل ستایش و تقدیر بوده و است. یک عده از بزرگواران آنها عبارتند از:

مرحوم آقای میرعلی احمد حجت، آقای شریعت، آقای بلبل، آقای کشمیری، مرحوم شیخ محمد علی خوان مدرس، جناب سید محمد سرور واعظ، شیخ محمد امین افشار، میرزا حسین خان شیون زاده، مرحوم بلخی، مرحوم استاد یوسف بینش، آقای ناصر، استاد فضیلت، سید حسین جاغوری، مرحوم عزیز معلم، و داکتر حسین حسینی، مرحوم سید زلمی، سید آغا ضیای محبوبی، مرحوم سید حسن پل سوخته ای، مرحوم سید اکبر و سید نبی اکبری، مرحوم سید ابوطالب، سید محسن آقا، مرحوم حاج محسن میوه فروش، یک عده بزرگواران بامعرفت دیگر که نگارنده بدبختانه با آنها معرفت ندارد و در همه حال هر فردی از مسلمانان با معرفت، که در احیای تکایای حسینی، و یاد بود خاندان سیدالشهدا علیه السلام در هر بخش کاری آن قدم می گذارند؛ زحمات مختلف را متقبل می گردند، خداوند بزرگ اجر و پاداش دنیوی و اخروی نصیب خودشان و بستگان آنها بفرماید. آمین یا رب العالمین / پایان

زوارقاسم خان، استاد برات علی خان شال باف، غلام علی خان نجار، علی محمد خان صفدری، غلام حسین پریشان، رجب علی خان آشپز، رستم علی کابلی، شیرآقا مهدی نوابی، امان کیمیا، ضابط محسن، محب علی، فقیر علی، حاجی حسن افشار، سید جعفر آقا، سید گل آقای شامل زاده، کاکه رضا، شیرآقا حسین علی جوان شیر، عنایت اله احمدی و یک عده ی دیگر مانند مرحوم نصراله از مراد خانی کابل، غلام سخی افشار، غلام عباس افشار، سخی داد جان، رستم علی مزیدی، همایون حسینی، خروشی، نجیب جان، شریف مدد، سید پاچا، حسن علی جان، نجف علی، قدیر یونس، سید فرید اکبری، نسیم جان ناصری، احمد ذبیح ندیم، جاوید جان امیری، جمشید جان جوان بخت، شیرمحمد جان، احمد مسیح جان، داکتر سید حبیب، علی احمد جان شیون زاده، یحیی مونس، عباس جان خیاط، رحیم جان و غیره.

این عاشقان حسین، با پیشکش نمودن، مناقب عالی در مجالس تعزیه داری محبوب القلوب همگان می باشند و الان در جامعه اسلامی افغان های مقیم کانادا در شهر تورنتو و انجمن فرهنگی کمیل یک عده از مناقب خوان های گرامی وطن ما مانند، سفر علی جان رجبی، احمد ذبیح ندیم، نجیب جان، حاجی نسیم جان، نه تنها در ایام محرم الحرام بلکه همیشه و بلاوقفه در مجالس تعزیه - داری حسینی با مناقب خوانی های شان زینت بخش مجالس حسینی می باشند.

صلوات گوینان معروف قدیمی، عبارتند از:

مرحوم حسین علی خان از مراد خانی کابل و پسرش مرحوم هدایت اله معروف به شاه جانی مرادخانی، قاری سمیع جان، رحیم جان، احمد ذکی جان ندیم و یک عده ی دیگر که عدم تذکر اسامی آنها نمایندگی از بی تفاوتی نگارنده در برابر آنها نیست، بلکه مشکل عمده نبودن، مآخذ و منابع و مراجع آگاه می باشد، امید است که بنده را معذور بدانند.

البته مطلب عمده و قابل توجه این است که که یک عده اشخاصی که در تدویر مجالس مناقب خوانی و تعزیه داری های حسینی، در این چند دهه ی اخیر، در شهر کابل نهایت زحمات متعدد را با وجود عدم امکانات مادی و معنوی و با اعمار مساجد و تکایای حسینی، انسجام مرثیه سرایان، مناقب خوانان و صلوات گوینان و مستمعین حتی در شرایط جنگ های خیابانی شهر کابل و نا به سامان